

کتاب‌ها را با خود به گردش ببریم

اصغرندیری

این روزها در ایامی هستیم که کتاب، کتاب‌خوان و کتاب‌خانه بیشتر دیده می‌شود. بنابراین دست‌آویزی است تا با یکدیگر حرف بزنیم. پس بیایید؛ دست کتاب‌ها را بگیریم و آن‌ها را به مهمانی، گردش و حتی با خود به محیط‌های ورزشی ببریم. شما که بچه‌های خود را به خانه‌ی دوست و آشنا می‌برید یا در کوچه و خیابان دور می‌زنید و برای کسب تجربه، فرزند دل‌بندتان را با هر همسایه یا هر چیز غریبی روبه‌رو می‌سازید، این امکان را به او بدهید که با کتاب هم آشنا شود. آن را در دست بگیرد، ببوید و ورق بزند و سطر به سطر آن را لمس کند. هر کتاب دنیایی است که با ما حرف‌ها دارد.

یادش به خیر، هر وقت اول مهر می‌شد و البته تا مدت‌ها که کتاب درسی جدید می‌گرفتیم، بارها کتاب‌ها را می‌بویدیم و از رایحه‌ی خاص آن‌ها لذت می‌بردیم. کتاب‌های هر سال تحصیلی عطری داشت برای خودش و دنیایی بود از طراوت و خاطرات دوست‌داشتنی. شما آموزگاران گرامی و والدین آینده‌نگر می‌توانید کاری دیگر هم انجام دهید. دست دانش‌آموزان خود را بگیرید و آن‌ها را به دنیای رنگارنگ و متنوع کتاب‌ها ببرید. به آن‌ها دانسته‌های خود را منتقل کنید. بگویند کتاب‌ها یا علمی هستند مثل دایرة‌المعارف‌ها که درباره‌ی سیاره‌ها، حیوانات، تاریخ و جهان اطراف ما حرف می‌زنند و یا تخیلی بوده و ما را به دنیای خیال و جایی که وجود خارجی ندارد، می‌برند. زندگی در فضا و ستارگان یا کهکشان‌های دور دست چگونه است؟ و البته کتاب‌هایی وجود دارند که تلفیقی از این دو هستند و به آن‌ها علمی-تخیلی می‌گویند.

تا صد سال پیش وقتی آدم‌ها به این فکر می‌کردند که روزی می‌توانند پرواز کنند و درباره‌ی آن داستان‌ها می‌نوشتند و با اسب پرند به آسمان‌ها پرمی‌کشیدند، در واقع داستان‌های علمی-تخیلی را ساخته یا بازگو می‌کردند. زندگی‌نامه‌ها مانند زندگی بزرگان دین و دانش یا به دست خود آن‌ها نوشته شده و یا به دست پژوهش‌گران و آن‌ها که علاقه‌مند این گرانیگان بوده‌اند. یعنی آن‌ها که باعث شده‌اند زندگی و نگاه انسان‌ها متحول شود.

برای ترغیب دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی راه‌های زیر را امتحان کنید:
- دانش‌آموزان یک بند درباره‌ی کتاب یا کتاب‌هایی که خوانده‌اند یا شما به آن‌ها معرفی کرده‌اید، بنویسند.

- درباره‌ی این موضوع؛ «کتاب‌ها را با خود به گردش ببریم» انشا بنویسند.





- اگر داستان می‌خوانند و شخصیتی در کتاب وجود دارد، خود را در بخشی از داستان یا به جای شخصیت وارد قصه کرده و متن را ادامه دهند.
- دانش‌آموزان درباره‌ی کتابی که خوانده‌اند، بحث و تبادل نظر کنند.
- اگر فیلمی درباره‌ی متن و داستان آن کتاب دیده‌اند، به دانش‌آموزان کلاس معرفی کنند.
- نقشه‌ی محلی که محتوای کتاب در آن اتفاق افتاده را در کلاس تشریح کنند.
- دانش‌آموزان به یکی از شخصیت‌های کتاب مورد نظر نامه‌ای بنویسند و طی گفت‌وگو، نظرات خود را درباره‌ی وقایع کتاب ابراز دارند.

یک سؤال

از دانش‌آموزان بپرسید کتابی را که مطالعه کرده و دوست داشته‌اند، آیا باید در کتابخانه‌ی خود نگهدارند و به کسی ندهند و یا اینکه آن را در دسترس همگان بگذارند؟ چرا؟

باید اعتراف کنم کار بدی در حق کتاب‌هایم کرده‌ام! راستش را بگویم هر کتابی را که دوست داشتم، اگر نقاشی خوبی داشت و یا محتوا و داستان آموزنده یا متنی قوی داشت، آن را از معرض دید و دسترس دیگران دور می‌کردم تا فقط آن کتاب برای خودم باشد! فکر می‌کردم اگر آن را یک نفر دیگر ببیند ممکن است به آن دل ببندد، آن را ببرد و آن قدر بخواند که به آن آسیبی برسد و من دیگر رویش را نبینم.

اینها که گفتم به خاطر یک اتفاق ناگوار رخ داده بود. کتاب‌هایی داشتم که یا به شعر بود یا داستان. وقتی برای دوست یا آشنا از کتابی جدید یا جالب توجه و خواندنی صحبت می‌کردم، او ذوق زده می‌شد و درخواست می‌کرد که آن را در اختیارش بگذارم. من هم با افتخار آن را به رسم امانت قرض می‌دادم. اما مدتی که می‌گذشت، از برگشت کتاب خوب من اثری دیده نمی‌شد. در حقیقت من هم خجالت می‌کشیدم که آن را بخوام و این هجران ماه‌ها و سال‌ها طول می‌کشید و من می‌آدمم کتاب‌خانه‌ام را و ارسای می‌کردم. کتاب‌هایی که کمتر خوانده می‌شدند در قفسه‌ها جا خوش کرده بودند و آن‌ها که همدم شب و روز من بودند، سر جای خود نبودند. فکرش را بکنید. تعدادی از دوستانم گم شده بودند. اما من خود را قانع می‌کردم که نه! این کتاب‌ها دست به دست می‌چرخند و همگان از محتوای آن‌ها استفاده می‌کنند و روزی آن صفحات نازنین حتی جلد شده به خانه بازمی‌گردند.

آدم باید از حوادث و رویدادهای اطراف خود درس بگیرد. حالا دیگر من در جیب خود دو خودکار می‌گذارم، به این رسیده‌ام که «خودکار و کتاب» و «قلم و دفتر» دو جزء جدایی‌ناپذیرند. اگر به کسی کتاب دادم، خودکارم را نیز هدیه می‌کنم و منتظر برگرداندن آن نمی‌شوم. می‌دانم که نتیجه‌ی این کار را بعدها به شکلی شیرین خواهم دید.